رواق

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

قدس

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۹

۱۲ رجب ۱۴۴۲ | ۲۴ فوریه ۲۰۲۱ | سال سی و چهارم | شماره ۹۴۷۵ | ویژه نامه ۳

www.qudsonline.ir

امام علی (ع): آداب و رسوم خویش را به فرزندانتان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان در روزگاری، غیر از روزگار شما می‌زیند.

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۲۰، ص ۲۶۷

تولیت آستان قدس رضوی:

مهندسان حرم مطهر مجاهدان عرصه صیانت از گنجینه هنر رضوی هستند

تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر ضرورت افزایش سرعت انجام پروژه‌های عمرانی حرم مطهر در عین رعایت کیفیت، گفت: باید به دنبال راهکارهای افزایش سرعت انجام پروژه‌های عمرانی در حرم مطهر بود، هدررفت...

۴

درنگ

آرش شفاعی

دو نگاه به یک مرد

بارها با این پرسش روبه‌رو شده‌ام که تفاوت نگاه یک شاعر مدرن و سنتی چیست؟ اصولاً شعر سنتی و نو چه تفاوتی دارند؟ در این یادداشت به انگیزه مروری بر یکی از سروده‌های علی موسوی گرمارودی، شاعر نامدار معاصر و به مناسبت سالروز میلاد خجسته حضرت مولا(ع) سعی می‌کنم به این پرسش هم ...

صفحه ۲

بررسی امتداد اجتماعی سیره علوی در یکی از وقایع تاریخی صدر اسلام

دلداده ذات خداوند

۲

نقاشی: حسن روح الامین

سوغات زیارت تجلی بومی صنایع فرهنگی

۲

گفت‌وگو با فرخ نعمتی، بازیگر سریال امام رضا(ع)

همه در پشت صحنه اشک می‌ریختند

کمتر کسی است که سریال «ولایت عشق» را به خاطر نیاورد. نوستالژی ۲۰ ساله‌ای که از معجزه بازیگر امام رضا(ع) تا ماندگاری نقش مأمون حرف‌های زیادی برای گفتن داشت. بسیاری از عوامل این سریال به واسطه محبوبیتش در میان مردم، بعدها سری در سرها درآوردند و نامشان سر زبان‌ها افتاد، اما در این میان یک نفر بود که باوجود نقش کلیدی‌اش، توسط مخاطب دیده نشد، صدایش را کسی نشنید و هیچ تصویر و یا مصاحبه‌ای...

۳

از کوچه قدیمی اطراف حرم رضوی چه می‌دانید؟

کوچه «پنجه» و سنگ معروفش

کوچه پسکوچه‌های قدیمی شهر مشهد پر از جاهای کمتر دیده شده‌ای است که بعضی از آن‌ها اگرچه سندیتی ندارند اما محصول ارادت مردم به امام هشتم(ع) هستند. مکان‌هایی که روزی روزگاری و به دلایلی که دیگر کسی از آن اطلاعی ندارد، شکل گرفته‌اند و با گذر سال‌ها و قرن‌ها، نقشی از عرف روی آن‌ها افتاده است. شاید یکی از دلایلی که این مکان‌ها کمتر به چشم زائران و حتی مجاوران می‌آید، وجود حرم مطهر به عنوان قلب تپنده شهر مشهد باشد؛ مصداق همان سخن لطیفی که می‌گوید: «چون که صد آید، نود هم پیش ماست». یکی از این اماکن جالب و البته کمتر دیده شده، سنگی سیاه‌رنگ است که در کوچه «پنجه» در محله چهارباغ مشهد قرار دارد؛ سنگی که می‌گویند رد دست مبارک حضرت ثامن‌الحجج(ع) بر آن است.

نماد یک ارادت دیرین

رسیدن به کوچه پنجه خیلی سخت نیست؛ باید خودتان را به خیابان آیت‌الله خزعلی برسانید؛ آیت‌الله خزعلی «یک» یا همان کوچه شوکت‌الملک قدیم. به نخستین فرعی که برسید؛ جایی روی دیوار ورودی آن، علاوه بر تابلو راهنمای مدرسه سلیمانیه، نام «کوچه پنجه» حک شده است. درست در میانه همین کوچه به سمت راست که بپیچید، حفره‌ای روی دیوار می‌بینید که سنگ سیاهی درون آن قرار دارد و ادعا می‌شود رد دست مبارک امام هشتم(ع) روی آن نقش بسته است. فضای داخل جایگاه سنگ به دلیل روشن کردن شمع، طی سالیان طولانی، از رنگ دوده‌های آن تأثیر گرفته و سیاه شده است. برخی می‌گویند محل قرار گرفتن سنگ در زمان‌های قدیم، جایی در ابتدای کوچه بود و تغییرات سده اخیر آن را به مکان فعلی انتقال داد. این ادعا هم مانند آنچه درباره اصالت سنگ نقل می‌شود، قابل استناد نیست و اصلاً مدرکی برای ارائه در این زمینه، جز آنچه در بین مردم معروف است، وجود ندارد. با این حال هنوز هم در شب شهادت امام رضا(ع) افرادی می‌آیند و شمع شام غریبان را در این محل روشن می‌کنند. با این همه کوچه پنجه و سنگ معروفش، نماد یک ارادت ساده‌دلانه است؛ نماد یک عادت عرفی که فضای یک محله را از معنویت آکنده می‌کند مثل خیلی از رسم‌های زیبا و سابقه‌داری که پشتوانه عرفی دارند و امروزه در میان ما جاری است و منشأ خیرات و مبرات گسترده‌ای می‌شوند. به هر حال کوچه پنجه و سنگ معروفش بخشی از هویت شهری است که بر پایه قرار گرفتن مرقد مطهر امام رضا(ع) شکل گرفته و ماندگار شده است.

مدرن‌ترین بیمارستان ۱۵۰ سال پیش ایران را بشناسید

دارالشفای جسم و جان

محمدحسین نیکبخت: خیلی سابقه دارد؛ اسناد می‌گویند چیزی حدود ۵۰۰ سال! دارالشفای حرم مطهر از جاهایی است که تقریباً هیچ زائر و مجاوری نیست که اسمش را نشنیده باشد. با این حال، به نظر می‌رسد سابقه دارالشفا خیلی بیشتر از این حرف‌ها باشد؛ چرا؟ چون بخش درمان یکی از مهم‌ترین بخش‌های مربوط به امور خیریه از زمان‌های قدیم بوده است و می‌شود آن را مثل مهمانسرا که برای اطعام زائران و مجاوران نیازمند بنا کردند، سابقه‌دار دانست. به هر حال، هر کس در مشهد قدیم، حالش بد می‌شد و نیاز به طبیب پیدا می‌کرد اولین جایی که به ذهنش می‌رسید دارالشفای امام رضا(ع) بود؛ محلی که بیمار را علاوه بر درمان جسمی، از نظر روحی هم تقویت می‌کرد. امروز می‌خواهیم درباره این نهاد تاریخی و مهم حرم رضوی صحبت کنیم امیدواریم حوصله کنید و تا پایان با ما بمانید.

دارالشفای اولیه کجا بود؟

دارالشفای حضرتی امروزه در مجاورت ورودی حرم از سمت بالاخیابان (خیابان آیت‌الله شیرازی) قرار دارد. اما در زمان قدیم که حرم رضوی این‌قدر گسترده نبود منطقه فعلی آن بخشی از محله شلوغ و پرجمعیت بالاخیابان یا سرشور محسوب می‌شد. دارالشفا تا سال ۱۲۳۹ خورشیدی حوالی مدرسه «دو در» و «پریزاد» و مقابل مسجد گوهرشاد قرار داشت؛ حدوداً جایی که امروزه انتهای بست شیخ بهایی قرار دارد و به کفشداری شماره ۱۳ حرم مطهر منتهی می‌شود. اما انبوه مراجعان بیمار سبب شده بود به فضای بیشتری برای طبابت و درمان نیاز باشد. در ضمن ساختمان قدیمی دوره صفویه دیگر به درد دارالشفا نمی‌خورد. بنابراین میرزا جعفرخان مشیرالدوله، نایب‌التولیه وقت آستان‌قدس به فکر افتاد که ساختمان جدیدی را برای دارالشفا بنا کند؛ کجا؟ هر جایی غیر از مکان فعلی!

آبرومندترین مریضخانه ایران

این بود که تعدادی از خدام را مأمور یافتن محل بهتری کرد؛ آن‌ها هم گشتند و در اراضی ضلع غربی حرم مطهر در نزدیکی سرای ملک که امروزه اسمش کوچه ملک است و البته هیچ شباهتی نه به سرا دارد و نه به کوچه! زمینی را که متصل به باغی خوش آب و هوا بود یافتند و با سلام و صلوات کار ساخت دارالشفا شروع شد اما عمر مشیرالدوله به افتتاح ساختمان قد نداد و پس از او، پسرش محمدصادق خان آن را تمام کرد و به این ترتیب دارالشفای حضرتی مبدل به آبرومندترین بیمارستان ایران شد؛ این را ادوارد پولاک، طبیب اتریشی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه می‌گوید که در ایران عصر ناصری، دارالشفا کم نبوده اما «تنها مؤسسه آبرومند، در مشهد از توابع آستان‌قدس برجا مانده که حامی غریبان است». به هر حال گزارش‌هایی که درباره این دارالشفا از دوره قاجاریه باقی است، نشان می‌دهد که در نوع خودش بسیار ممتاز بوده است. بنابراین فکر نکنید که چون دوره قاجار بود، نه امکاناتی وجود داشت و نه پزشک حاذقی!

قطعاً وجود پزشکان حاذق و امکانات مناسب سبب شده بود دارالشفای حرم رضوی در آن دوره، بهترین بیمارستان ایران به حساب بیاید.

یک ساختمان همه‌چیز تمام

آصف‌الدوله در گزارش‌هایش آورده است در بنای دارالشفا پیش‌بینی همه چیز شده و مهندس آن، طوری بنا را طراحی کرده بود که اتاق‌های مردانه و زنانه جدا باشد و برای دسترسی به امکانات مختلف مشکلی پیش نیاید. این بنا آن‌قدر باکلاس بود که وقتی در ربیع‌الاول سال ۱۲۸۴ (۱۲۴۶خورشیدی) ناصرالدین‌شاه به بازدید آن رفت، کلی کیف کرد و به همه پزشکان و خادمان انعام داد. گزارش علینقی حکیم‌الملک در این زمینه، نمایی از ساختمان را هم به دست می‌دهد: «شاه در بازدید از حرم مطهر ابتدا به دارالشفای جدید حضرت که از بناهای مرحوم مشیرالدوله است تشریف برده و وضع باغچه‌ها و حجرات مرضا و البسه و بستر و تخت و اغذیه و ادویه‌جات مریضخانه مقبول طبع ملوکانه گشت و مبلغی به خدام و مستحقین دارالشفا به رسم انعام احسان فرمودند». گزارش حکیم‌الملک نشان می‌دهد که در آن زمان یعنی بیشتر از ۱۵۰ سال پیش، در دارالشفای حضرتی، بیماران کاملاً بر اساس روش‌های نوین پذیرش می‌شدند، لباس مخصوص می‌گرفتند و محیط بستری آن‌ها کاملاً استاندارد و مناسب بود. علاوه بر این، اگر کسی نیاز مالی داشت و نمی‌توانست مخارج درمان را بپردازد، این کار از محل موقوفه‌هایی که برای همین منظور در نظر گرفته شده‌بود، صورت می‌گرفت.

> گزارش حکیم‌الملک نشان می‌دهد که در آن زمان یعنی بیشتر از ۱۵۰ سال پیش، در دارالشفای حضرتی، بیماران کاملاً بر اساس روش‌های نوین پذیرش می‌شدند

مدرن شدن دارالشفای حضرتی

بررسی عنوان کارکنان دارالشفا در این دوره هم می‌تواند وسعت خدمات را نشان دهد. براساس گزارش سال ۱۲۹۱ق/۱۲۵۳خ، حدود ۳۰ نفر در دارالشفای حضرتی مشغول به کار بودند که در میان آن‌ها، مناصبی مانند طبیب، کحال(چشم‌پزشک)، جراح، دواسای(آماده‌کننده دوای تجویز شده پزشکان برای بیمار)، پرستار (زن و مرد)، رختشوی، دواجوش، طباخ و دربان تعریف شده بود و این خبر از فعال بودن آشپزخانه دارالشفا و رختشوی‌خانه آن برای ارائه خدمات به بیماران می‌دهد. از میانه دهه ۱۲۹۰ق/۱۲۵۰خ و با آمدن علی‌اکبرخان نفیسی، ملقب به ناظم‌الاطبا که پزشکی را بر اساس شیوه جدید می‌دانست، روش‌های نوین بستری و درمان در دارالشفای حضرتی به کار گرفته شد و در دوره ملک‌الحکما داروهای جدید هم به داروهای سنتی اضافه و داروخانه دارالشفای حضرتی به یکی از پیشرفته‌ترین داروخانه‌های کشور و شاید خاورمیانه مبدل شد. رحمت‌الله واضح، یکی از ادبای ازبک گزارشی جالب از دارالشفا یا به قول او شفاخانه حرم به دست می‌دهد؛ براساس گزارش واضح، مصرف سالانه دارو در دارالشفا، ۳ هزار تومان هزینه داشت. طبق دستور رئیس شفاخانه، چند منزل بزرگ تهیه شده بود تا تعدادی خانم آشپز غذاهای مناسب احوال مریض‌ها را مطابق دستور پزشک تهیه کنند و دکترها هم روی سرشان شالی قیمتی می‌بستند که بتوان راحت آن‌ها را شناخت. علاوه بر این‌ها، دارالشفا شورای نظارت و بررسی داشت که جلسه‌های منظم برگزار می‌کرد. میرزاصادق‌خان ادیب‌الممالک که نخستین روزنامه مشهد به نام «ادب» را منتشر کرد، گزارشی از این جلسه‌ها را ارائه کرده است؛ جلسه‌ای برگزار شده در سال ۱۲۸۰خ که در آن تصویب شد باید برای بیماران لباس‌های مخصوص تهیه و آب تصفیه‌شده در اختیار آن‌ها قرار داده شود. یعنی اینکه برخی ادعاهای تاریخی که می‌گویند آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نخستین بار به تأسیس بیمارستان و مریضخانه در مشهد اقدام کردند چندان درست نیست.

حاج علی خورشیدی از مداحان بیشکوست و باسابقه قم دار فانی را وداع گفت

به دلیل مشکلات جسمی و سکته و با ضعف گسترده عضلانی مواجه بود و به سختی در مجالس از جمله مجالسی که برای تجلیل از وی برگزار شد، شرکت می‌کرد. وی یکی از مداحانی بود که باجرای مناجات در تجربه‌های سبک سنتی موسیقی ایرانی نیز بهره می‌برد و مداحی وی کاملاً بر اساس معیارهای آوایی ایرانی بود. وی به مدت ۳۰ سال در مسجد مقدس جمکران، قرائت دعای توسل را به عهده داشت. همچنین در سال‌های جنگ حق علیه باطل با حضور مستمر در جبهه‌های جنگ به اجرای برنامه‌های مذهبی می‌پرداخت. بیکر پاک این مداح اهل بیت(ع) امروز ساعت ۹ از مسجد امام زین‌العابدین(ع) در قم تشییع می‌شود.

درنگ

دو نگاه به یک مرد

آرش شفاعی/ شاعر و روزنامه‌نگار: بارها با این پرسش روبه‌رو شده‌ام که تفاوت نگاه یک شاعر مدرن و سنتی چیست؟ اصولاً شعر سنتی و نو چه تفاوتی دارند؟ در این یادداشت به انگیزه مروری بر یکی از سروده‌های علی موسوی گرمارودی، شاعر نامدار معاصر و به مناسبت سالروز میلاد خجسته حضرت مولا(ع) سعی می‌کنم به این پرسش هم پاسخ دهم. ابتدا بگذارید از این پرسش شروع کنم که فرض کنید شما شاعری هستید که می‌خواهید از حضرت مولا علی(ع) در شعرتان ستایش کنید، چه خواهید گفت؟ از بزرگی‌ها و شجاعت‌های امام خواهید سرود، او را با بالاترین حد غلو شاعرانه ستایش خواهید کرد و باز هم در شعرتان اعتراف خواهید کرد که او آن قدر بزرگ و باشکوه است که نمی‌توان وصفش کرد.

مثلا این بیت‌ها نمونه خوبی است که می‌توان در وصف حضرت علی(ع) سرود و یا خواند:

راستی، آیا علی از جنس ماست؟
در شگفتم عمق این دریا کجاست
چون ز وی باید سخن آغاز کرد؟
چون توان این رز حل را باز کرد؟
عمق ما تا سطح خواهش‌های دل
او فراتر از حدود آب و گل
طول و عرض او چه دانی تا کجاست
آدمیزادی در ابعاد خداست
ما کجا آن خوب، آن زیبا کجا؟
او امیر عشق و ما عبد هوا
از کدامین رنج خود را چاره گفت
چاه، آن در کجای دل نهفت
آه، ای چاه، ای تو دمساز علی
ای دلت گنجینه راز علی...

شعر سنتی ما سرشار است از این گونه بیت‌ها. در این شعرها شاعر معمولا حضرت را مورد خطاب قرار می‌دهد و شجاعت، بزرگی و شکوه او را می‌ستاید. ویژگی اصلی این گونه شعرها، توصیفی بودن است. البته شاعر برای توصیف از صور خیال مانند تشبیه، استعاره و... استفاده می‌کند اما ویژگی مهمی که در این شعرها وجود دارد این است که میان شاعر و سوژه همیشه فاصله‌ای هست و شاعر ضمن حفظ این فاصله سعی می‌کند، موضوع و مضمون شعر خود را برای مخاطب شرح دهد. حالا شاعر همان شعر سنتی، وقتی می‌خواهد شعری مدرن بسراید، چنین می‌گوید:

چنین است گویی:
که با جامی خالی،
بر ساحلی صخره‌ای،
پیش روی امواج
ایستاده‌ام
واپاش ساحل کوب موج‌ها
صخره زیر پایم را می‌شوید
و من هر بار
-که موجی در می‌رسد-
جام بر کف،
خم می‌شوم
به بوی سهمی
کز کاکل موج برگیرم
اما از آن پیش
موج در خود واشکسته است
و من،
عزمی دوباره را
چون پرچمی،
بر صخره واپس می‌ایستم.
دگر باره چون موجی پیش می‌رسد
جام را چون داسی قوس می‌دهم
تا از سر خوشه آب
دسته‌ای واچینم
اما، باز
جام خالی‌ست
و دریا در موج
و فاصله،
به درازای یک دست،
و به دوری یک تاریخ!
شتک خیزاب امواج،
تنها
یک دو قطره
بر دیواره شفاف جام می‌چکاند
و عطاری، در جام من است.

*

نهج‌البلاغه را می‌بندم.
در این شعر، علی موسوی گرمارودی دیگر دست از توصیف برداشته است. دیگر حضرت علی(ع) را با صفات برجسته و اغراق شاعرانه «توصیف نمی‌کند»؛ چرا که شاعر مدرن، دست از توصیف کردن برداشته است و سعی می‌کند شعر را «نشان بدهد» یعنی اینکه به جای ردیف کردن صفت‌هایی مانند شجاع، دانشمند، بزرگ و عالی مرتبه؛ بزرگ بودن، شجاع بودن، دانشمند بودن و... را به مخاطب خود نشان بدهد. کاری کند که مخاطب پس از خواندن شعر، با عمق وجود درک کند بزرگی یعنی چه. شاعر در اینجا به جای استفاده از مخزن معانی انبار شده در ذهن خود، از قدرت شاعرانه‌اش برای خلق فضایی عینی و ملموس استفاده می‌کند. کشاکش او برای اینکه جامی را پر کند، سهمناکی موج‌ها و فضایی که دلهره و طوفان را به خوبی مجسم می‌کند؛ در شعر با استفاده از صور خیال به نمایش درآمده‌اند و خواننده خود را در تجسم این لحظه‌های شگفت‌آور همراه‌اوی شعر احساس می‌کند و سرانجام شاعر در پایان شعر با یک پایان‌بندی غافلگیرکننده، مخاطبش را متوجه می‌کند که همه این فضاسازی و تمهیدات تصویری برای بیان عظمت نهج‌البلاغه بوده است. این است تفاوت یک نگاه کلاسیک در شعر و یک نگاه مدرن.

قطار تهران ـ مشهد

هر ماه زیارت اولی‌اند

زهرا سادات دریاباری: یک کیسه پر از دارو کنارش بود. تنها بود، اما احساس تنهایی نمی‌کرد. گلی مجله و روزنامه از کیف دستی بزرگش بیرون کشید. اول از همه با دقت به بالای صفحات نگاه می‌کرد. پس از چند ثانیه سرش را پایین‌تر برد و متن روزنامه یا مجله را می‌خواند. حرکاتش عجیب بود. همین‌طور که چای داغ را جرعه‌جرعه می‌نوشیدم، چشم‌هایم به سمت روزنامه حرکت کرد. بالای صفحه، تاریخ روزنامه نظرم را جلب کرد. روزنامه تقریباً مال یک سال پیش بود. بیشتر تعجب کردم. خواستم بپرسم چرا روزنامه تاریخ گذشته می‌خوانی که سرش را بلند کرد و گفت:

-برای من هم چای می‌ریزی؟

با روی باز برایش یک استکان چای ریختم و به دستش دادم تا باب صحبت را باز کنم اما... استکان را که از دستم گرفت، دوباره سرش را در لاک روزنامه فرورد و دیگر چیزی نگفت. به کیسه قرص‌ها و داروهایش نگاه کردم. نمی‌شد در نگفتم عمق این دریا کجاست
چون ز وی باید سخن آغاز کرد؟
چون توان این رز حل را باز کرد؟
عمق ما تا سطح خواهش‌های دل
او فراتر از حدود آب و گل
طول و عرض او چه دانی تا کجاست
آدمیزادی در ابعاد خداست
ما کجا آن خوب، آن زیبا کجا؟
او امیر عشق و ما عبد هوا
از کدامین رنج خود را چاره گفت
چاه، آن در کجای دل نهفت
آه، ای چاه، ای تو دمساز علی
ای دلت گنجینه راز علی...

شعر سنتی ما سرشار است از این گونه بیت‌ها. در این شعرها شاعر معمولا حضرت را مورد خطاب قرار می‌دهد و شجاعت، بزرگی و شکوه او را می‌ستاید. ویژگی اصلی این گونه شعرها، توصیفی بودن است. البته شاعر برای توصیف از صور خیال مانند تشبیه، استعاره و... استفاده می‌کند اما ویژگی مهمی که در این شعرها وجود دارد این است که میان شاعر و سوژه همیشه فاصله‌ای هست و شاعر ضمن حفظ این فاصله سعی می‌کند، موضوع و مضمون شعر خود را برای مخاطب شرح دهد. حالا شاعر همان شعر سنتی، وقتی می‌خواهد شعری مدرن بسراید، چنین می‌گوید:

چنین است گویی:
که با جامی خالی،
بر ساحلی صخره‌ای،
پیش روی امواج
ایستاده‌ام
واپاش ساحل کوب موج‌ها
صخره زیر پایم را می‌شوید
و من هر بار
-که موجی در می‌رسد-
جام بر کف،
خم می‌شوم
به بوی سهمی
کز کاکل موج برگیرم
اما از آن پیش
موج در خود واشکسته است
و من،
عزمی دوباره را
چون پرچمی،
بر صخره واپس می‌ایستم.
دگر باره چون موجی پیش می‌رسد
جام را چون داسی قوس می‌دهم
تا از سر خوشه آب
دسته‌ای واچینم
اما، باز
جام خالی‌ست
و دریا در موج
و فاصله،
به درازای یک دست،
و به دوری یک تاریخ!
شتک خیزاب امواج،
تنها
یک دو قطره
بر دیواره شفاف جام می‌چکاند
و عطاری، در جام من است.

*

نهج‌البلاغه را می‌بندم.
در این شعر، علی موسوی گرمارودی دیگر دست از توصیف برداشته است. دیگر حضرت علی(ع) را با صفات برجسته و اغراق شاعرانه «توصیف نمی‌کند»؛ چرا که شاعر مدرن، دست از توصیف کردن برداشته است و سعی می‌کند شعر را «نشان بدهد» یعنی اینکه به جای ردیف کردن صفت‌هایی مانند شجاع، دانشمند، بزرگ و عالی مرتبه؛ بزرگ بودن، شجاع بودن، دانشمند بودن و... را به مخاطب خود نشان بدهد. کاری کند که مخاطب پس از خواندن شعر، با عمق وجود درک کند بزرگی یعنی چه. شاعر در اینجا به جای استفاده از مخزن معانی انبار شده در ذهن خود، از قدرت شاعرانه‌اش برای خلق فضایی عینی و ملموس استفاده می‌کند. کشاکش او برای اینکه جامی را پر کند، سهمناکی موج‌ها و فضایی که دلهره و طوفان را به خوبی مجسم می‌کند؛ در شعر با استفاده از صور خیال به نمایش درآمده‌اند و خواننده خود را در تجسم این لحظه‌های شگفت‌آور همراه‌اوی شعر احساس می‌کند و سرانجام شاعر در پایان شعر با یک پایان‌بندی غافلگیرکننده، مخاطبش را متوجه می‌کند که همه این فضاسازی و تمهیدات تصویری برای بیان عظمت نهج‌البلاغه بوده است. این است تفاوت یک نگاه کلاسیک در شعر و یک نگاه مدرن.

سبک زندگی

همسان‌زیستی با محرومان

نقل است که کنیزی از کنیزان مأمون می‌گوید: ما را به دربار مأمون روانه کرده بودند. در آنجا در بهشتی از خودنی‌ها، نوشیدنی‌ها، عطرها و پول فراوان به سر می‌بردیم تا اینکه مأمون مرا به علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) بخشید. چون به خانه امام درآمدم، تمام آن نعمت‌ها از دست رفت... .

از این نقل تاریخی مسئله همسان‌زیستی امام با مردم در جامعه اسلامی استنباط می‌شود که در یک نگاه کلی چند اثر سازنده دارد.

نخست اینکه این روش زندگی، خود به زمینه‌ای اساسی برای مبارزه با فقر بدل می‌شود. چرا؟ چون حاکم اسلامی، حال بینوایان را با گوشت و پوست خود حس می‌کند. از این رهگذر است که آنان احساس نزدیکی و یگانگی می‌کنند. مضاف بر اینکه طبقات اشراف و سرمایه‌دار اگر حاکم را با زندگی ساده و فقیرانه ببینند به او نزدیک نمی‌شوند و از او دل می‌کنند.به آن معنا که زمامدار در طبقه فقیر باقی می‌ماند و پایگاه اجتماعی خود را پس از تکیه بر مقام حاکمیت بالا نمی‌برد و با گرایش های رفاه‌طلبانه و تشکیل زندگی تجملی، با طبقات اشراف و مستکبر همسطح نمی‌شود. در نتیجه حاکم هیچ‌گاه از بینوایان دور نمی‌ماند.

در شرایط زیست مردمی و دور از تشریفات است که رابطه مردمی حاکم با مردم برقرار می‌شود و پایدار می‌ماند، همگان امکان می‌یابند به او دسترسی پیدا کنند و مشکلاتشان را در میان بگذارند. به همین دلیل است که حاکم اسلامی باید زیستی همسان محرومان داشته باشد تا ندای فقیران و گرسنگان به گوشش برسد. این اصل از حدیثی از امام رضا(ع) درباره نوع رابطه امام و امت نیز استنباط می‌شود: آنجا که فرمود:«حاکم برادر مهربان و پدر و یا مادر مهربان است. این‌ها همسطحی و همسانی دقیق امام و حاکم با مردم را اثبات می‌کند، چرا که مشخص است نمی‌شود مثلاً پدر و مادر در رفاه باشند و برادر یا فرزندشان را در محرومیت رها کنند». حاکم نیز چون مادر که نسبت به کودک خود ایثار دارد و لقمه را از دهان خود می‌گیرد و در دهان کودک می‌گذارد، نسبت به ملت خود ایثارگری می‌کند.

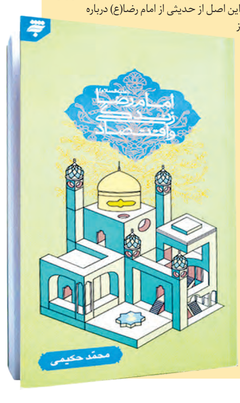

برگرفته از کتاب «امام رضا(ع) زندگی و اقتصاد» به قلم محمد حکیمی

بررسی امتداد اجتماعی سیره علوی در یکی از وقایع تاریخی صدر اسلام

دلداده ذات خداوند

حجت الاسلام احمد فرحانی، مدیر مدرسه فقهی امیرالمؤمنین(ع): امام خمینی(ره) در ذیل بحث تفاوت میان تکبیر (الله‌اکبر گفتن) و تهلیل (لااله‌الاالله گفتن) امیرالمؤمنین(ع) مطلبی دارند که امتداد این اندیشه در افق‌های تمدنی و اجتماعی، می‌تواند گام‌های ما در مسیر گام دوم انقلاب اسلامی را استوارتر کند.

پیش از صحبت کردن در مورد شخصیت امیرالمؤمنین(ع) باید این نکته یا یادآور شد که صحبت بر سر این موضوع به قدر فهم نویسنده و مخاطب در این خصوص است وگرنه توصیف و توضیح در مورد چنین شخصیتی را فقط باید از زبان پیامبر اکرم(ص) شنید.

در مورد نکته یاد شده، امام خمینی(ره) توضیحی دارند که من می‌خواهم این توضیح را استعاره بگیرم و صحبت‌ها را بر مدار آن ادامه بدهم. یکی از زیباترین و خاص‌ترین وقایع تاریخی صدراسلام که در خصوص آن، روایت و داستان‌های زیادی وجود دارد و شوق شیعه و اهل عامه به آن پرداخته شده، داستان جنگ خندق است. ماجرایی که در آن عمرو بن عبدود، پهلوان معروف عرب و از جنگجویان بنام قریش از خندق عبور می‌کند و با ندای «هل من مبارز» خطاب به لشکر مسلمانان، حریف می‌طلبد. ندای مبارزطلبی جنگجویی چون عمرو و تصویری که از او در اذهان وجود دارد انفعال و انقلابی در دل مسلمانان می‌اندازد و در هر سه دفعه‌ای که رسول‌الله(ص) از حاضران در مورد آمادگی برای مبارزه سؤال می‌کند، تنها حضرت امیرالمؤمنین(ع) داوطلب می‌شود. تا اینجای داستان، همه‌فهم و همگانی است که امیرالمؤمنین(ع) عمرو را بر زمین زد، او به حضرت جسارت کرد و آب دهان به روی علی(ع) انداخت و حضرت بلند شد، چند گام برداشت و مجدد آمد و کار عمرو را تمام کرد.

ماجرایی که امام خمینی(ره) با تفسیر رایج آن مشکل داشت

غالب مفسران، تاریخ‌نویسان و اهل بررسی حضور پیغمبر اکرم به اینجا که می‌رسند، یک نگاه مشترک دارند که در فاصله میان آب دهان انداختن عمرو به صورت امیرالمؤمنین(ع) تا کشته شدنش به دست حضرت، علی‌بن‌ابی‌طالب برای پرهیز از آنکه کشتن عمرو، از روی خشم و تشفی خاطر باشد، چند لحظه او را رها می‌کند و پس از فرونشاندن خشم خود، عمرو را در راه خدا می‌کشد. حضرت امام(ره) با این تفسیر مشکل دارند و این تفسیر را کوته‌بینی در شأن حضرت امیر(ع) می‌دانند و می‌فرمایند: اگر ما معتقدیم علی عین‌الله، سیف‌الله و یدالله است، مگر می‌شود خشم علی غیر از خشم خدا باشد که بعد علی بخواهد به خاطر خشم خودش عمرو را بکشد. مگر علی برای خودش اصلاً نفسانیت و انانیتی قائل است که خشم خودش را جدای از خشم خدا ببیند و بعد چند قدم بردارد تا خشمش را که غیر از خداست آرام کند و بعد بیاید و عمرو را بکشد؟ این نفهمیدن مقام امیر است. بالاخره ائمه ما حب و بغضشان برای الله بوده است. خشم و بغض علی که هیچ وقت غیر خشم الله نیست.

علی برای ذات الله قدم برمی‌داشت

حضرت امام می‌فرمایند تفسیر، چیز دیگری است و تفسیر این داستان این است که اگر آن موقع عمرو را می‌کشت، این گرایش و عمل علی که جهاد در سبیل اسلام و راه شریعت و دین بود، عملی برای «توحید افعالی» و «توحید صفاتی» به حساب می‌آمد. اگر علی به خاطر خشم خودش که همان خشم خداست عمرو را می‌کشت، آن بینشی که موجب این گرایش علی به حساب می‌آمد «توحید صفاتی» بود. به عبارتی برای خشم خدا جهاد کرده بود اما علی(ع) می‌خواست برای توحید ذاتی، عمرو را بکشد. چقدر تفسیر امام خمینی(ره) از واژه‌های رسول الله در این حادثه که می‌فرمایند «ضربة علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» یعنی کار علی در جنگ خندق(کشتن عمرو بن عبدود) برتر از عبادت جن و انس است، زیباست. چرا هیچ وقت این همه معصوم و انبیا و جن و انس و ملک نمی‌توانند یک ضربه علی را در روز خندق داشته باشند؟ چون در بهترین حالت و در مقرب‌ترین حالت، ما به خاطر توحید صفاتی و افعالی و برای افعال و صفات و جلوات الهی است که می‌توانیم فاعل باشیم. این در بهترین حالت و توحیدی‌ترین حالت ممکن است اما «فإنّه ممسوس فی ذات الله تعالی» -این روایت پیغمبر اکرم در آن لحظات است- یعنی علی برای توحید ذاتی قدم برمی‌داشت. بینشی که پشت گرایش علی برای کشتن عمرو بود کلمه حق اسماءالله نبود بلکه ذات الله بود. همین موضوع است که علی می‌تواند ممسوس (لداده، دلشده، سرگشته) در ذات خدا باشد و تجلی الله شود و ضربه‌اش در روز خندق برتر از عبادت ثقلین باشد.

استعاره تمدنی از ضربه علی(ع) در روز خندق

امام در شرح چهل حدیث در توصیف قرآن ناطق امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «تو خیال می‌کنی که امتیاز نماز حضرت امیرالمؤمنین(ع) با ما این است که مد ولاالضالین را طولانی‌تر می‌کند یا قرائتش صحیح‌تر است یا طول سجود و رکوع و اذکار و اورادش بیشتر است؟ یا امتیاز آن بزرگوار به این است که شبی چند صد رکعت نماز می‌خواند؟ یا مناجات سیدالساجدین، هم مثل مناجات من و تو است؟ او هم برای خود گلایه و شکوه دارد؟ او هم برای خود آلام و سوز و گداز داشت؟ به خودشان قسم است -و انه لقسم عظیم- که اگر پشت به پشت یکدیگر دهند و بخواهند یک لا اله الا الله امیرالمؤمنینی بگویند نمی‌توانند! خاک بر فرق من با این معرفت به مقام ولایت علی(ع)! به مقام علی‌بن‌ابی‌طالب قسم که اگر ملائکه مقربین و انبیای مرسلین -غیر از رسول خاتم که مولای علی و غیر اوست- بخواهند یک تکبیر او را بگویند، نتوانند. حال قلب آن‌ها را جز خود آن‌ها نمی‌داند کسی!»

این نگاه حضرت امام به مقام حضرت امیر در واقع همان جملات رسول‌الله در مورد حضرت امیر است. اصلاً حضرت امام دارند همان ضرب علی در روز خندق را توضیح می‌دهند. دارند می‌فرمایند به گونه‌ای علی مظهر صفات الهی و ممسوس در ذات الهی و به گونه‌ای فانی در الله و تجلی الله است که هیچ وقت، هیچ کسی به جامعیت و کاملیت فنای علی در الله نخواهد رسید، بنابراین هیچ کس فعلش، فعل علی و ذکرش، ذکر علی نیست. یاالله علی و ضربه علی و رکوع و سجود علی و زکات حین نماز علی هیچ‌گاه برای هیچ‌کس دیگر اتفاق نمی‌افتد، چرا؟ چون علی ممسوس فی ذات تعالی است.

اما استعاره موجود در این ماجرا و روایت «ضربة علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» این است که آنجایی که کسی مؤمن شود و ایمان بیاورد، یعنی به توحید باور داشته باشد، خودش به تنهایی یک جامعه است. وقتی کسی جامعه توحیدی شد می‌تواند تاریخ‌سازی کند. بنابراین شما می‌بینید مبدأ تحولات ما می‌تواند لحظاتی شود که به قول جرج جرداق مسیحی در کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» (علی صدای عدالت انسانی) علی تاریخ، فقه و فلسفه و شریعت بشریت را جابه‌جا کرد و رشد و تکامل داد. همین است که علی می‌تواند «قسیم النار و الجنه» و فرق بین هدایت و سعادت و انحراف و شقاوت در جامعه می‌شود.

به همین دلیل اگر قرار باشد جامعه‌ای به فلاح برسد، باید سیره‌اش علوی شود. باید زهد، عبادت، جهاد اصغر و اکبرش علوی شود. این نکته شاید رمز موفقیت در گام دوم باشد. اگر ما در گام دوم دست‌کم، الگویمان حضرت امیر باشد می‌توانیم به سمت سایر حلقه‌های تمدنی با شتاب بهتری حرکت کنیم. بنابراین سبک زندگی، سیاست، اقتصاد، جنگ و جهاد ما باید علوی شود و امتداد اجتماعی تمدنی را بر همین مبنا بومی‌سازی کنیم.

امام رضایی‌ها

خانواده‌های آسیب‌دیده از ویروس کرونا را دریابیم

مصطفی فاطمی نسب: جمعیت امام رضایی‌ها حرکتی مردمی است که توسط حاج حسین یکتا راه‌اندازی شده است. حاج حسین این گروه را سه سال پیش و در زمان زلزله کرمانشاه و سریل‌ذهاب راه‌اندازی و این مأموریت را برایش تعریف کرد که در زمان بلایای طبیعی از جمله سیل و زلزله به کمک آسیب‌دیدگان بشتابند. حاج‌حسین یکتا برای جمعیت امام رضایی‌ها برنامه‌ریزی دقیقی انجام داد و توانست با کمک دوستانش از سراسر کشور داوطلبانی را به این جمعیت دعوت کند.

به گفته خودش، در بانک داوطلبان این جمعیت همه طیف آدم حضور دارد؛ از زن و مرد گرفته تا دانشجو و متخصص و خانه‌دار و کارگر و جوان و میانسال و... این داوطلبان دسته‌بندی شده و در زمان بحران و حادثه، بنا به تخصصی که دارند از آن‌ها استفاده می‌شود. مسئول جمعیت امام‌رضایی‌ها می‌گوید: در این چند سال تلاش کرده‌ایم جوری برنامه‌ریزی کنیم که در مناطق آسیب‌دیده، از موازی‌کاری پرهیز شود، به همه مردم آسیب‌دیده که در مناطق مختلف هستند امدادرسانی شود و این‌گونه نباشد افرادی که دسترسی به آن‌ها آسان است، کمک دریافت کنند و آن‌هایی که در مناطق دورافتاده هستند به جیمع کمکی دسترسی نداشته باشند. سعی‌مان بر این است که داوطلبان جمعیت امام رضایی‌ها کمک‌ها را توزیع کنند؛ اما اگر خودمان دسترسی نداشته باشیم از هلال احمر کمک می‌گیریم. مثلا در همین سیل سیستان و بلوچستان که راه‌های ارتباطی به روستاها قطع شده بود و هلال‌احمر با بالگرد به مردم امدادرسانی می‌کرد، ما بخشی از کمک‌ها را به هلال احمر می‌دادیم تا به این مردم برسانند.

داوطلبان جمعیت امام‌رضایی‌ها تخصص‌های مختلفی دارند؛ بخشی از آن‌ها در حوزه سلامت متخصص هستند. حاج حسین در حوادث مختلف، این داوطلبان را فراخوانی کرده و به مناطق مختلف می‌فرستد تا آسیب‌دیده‌ها را درمان کنند. او می‌گوید: ما به هیچ نهاد دولتی وابسته نیستیم و همه بودجه جمعیت از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شود. ما از طریق کانال‌های اطلاع‌رسانی جمعیت، ریز مخارج و کمک‌رسانی‌ها را به اعضا اطلاع‌رسانی می‌کنیم.

جمعیت امام‌رضایی‌ها از زمان شیوع ویروس کرونا در حوزه توزیع بسته‌های ارزاق و بهداشتی به خانواده‌های نیازمند مبتلا به کرونا در دو مرحله فعالیت کرده است که این اقدامات با کمک داوطلبان شامل ۱۲۰ مرد و ۷۵ خانم تهیه، بسته‌بندی و توزیع شده است.

جهادگران داوطلب جمعیت امام رضایی‌ها هم برای کمک به معیشت خانواده‌های کم‌بضاعت و آسیب دیده ناشی از ویروس کرونا اقلام غذایی و بهداشتی را با کمک خیران تهیه و میان آنان توزیع کردند.

از زمان بحران شیوع ویروس کرونا خدمات ضدعفونی معابر و اماکن عمومی، مشاوره تلفنی داوطلبان پزشک از کل کشور به مردم ازطریق سامانه ۴۰۳۰، برگزاری جشن‌های تولد با هماهنگی مدیران بیمارستان و با رعایت اصول ایمنی و بهداشتی برای پزشکان و پرستاران در بیمارستان‌های کشور و نیز تولید محتوا توسط پزشکان داوطلب جمعیت امام رضایی‌ها انجام شده است.

در سنون «امام رضایی‌ها» از خدمات و سوژه‌های جذاب این گروه مردمی، برایتان روایت خواهیم کرد.

زیارت به نیابت

همه در پشت صحنه اشک می‌ریختند

امید ظرافتی: کمتر کسی است که سریال «ولایت عشق» را به خاطر نیاورد. نوستالژی ۲۰ ساله‌ای که از معجزه بازیگر امام رضا(ع) تا مانده‌گاری نقش مأمون حرف‌های زیادی برای گفتن داشت. بسیاری از عوامل این سریال به واسطه محبوبیتش در میان مردم، بعدها سری در سرها درآوردند و نامشان سر زبان‌ها افتاد، اما در این میان یک نفر بود که باوجود نقش کلیدی‌اش، توسط مخاطب دیده نشد، صدایش را کسی نشنید و هیچ تصویر و یا مصاحبه‌ای از او منتشر نشد. «فرخ نعمتی» همان بازیگر نقش امام رضا(ع) بود که بعدها درباره نقش متفاوتش در این سریال گفت:«پس از خواندن نوشته‌های مهدی فخیم‌زاده و تهیه‌کننده «ولایت عشق» متوجه شدم که نمی‌دانستند چطور باید به بازیگر نقش امام رضا(ع) بگویند معلوم نیست حتی بدنش هم در کادر قرار گیرد. اما من این شرایط را می‌دانستم و در پذیرش چنین نقشی تردید نکردم». مصاحبه‌های زیادی از فرخ نعمتی درباره تجربیاتش از ایفای نقش امام رضا(ع) در این سریال در دست نیست اما روایتی تکان‌دهنده از عنایت حضرت رضا(ع) به او وجود دارد که خواندنش خالی از لطف نیست.

یکی از معروف‌ترین سکانس‌های «ولایت عشق» زمانی بود که امام رضا(ع) سوار بر اسب به سوی تعداد زیادی از سواران می‌رفتند. عوامل سریال این سکانس را به کمک بدلکار و سواركار حرفه‌ای بارها اجرا می‌کنند اما اسبی که بازیگر نقش امام رضا بر آن نشسته بوده، به محض مواجهه با حدود ۲۰۰ سوارکار دیگر، می‌ترسیده و صحنه فیلم‌برداری را به هم می‌ریخته است. در نهایت مهدی فخیم‌زاده پیشنهادی می‌دهد فرخ نعمتی در آستانه رسیدن به جمعیت، اسب را نگه دارد و با پای پیاده به سمت آن‌ها برود. باقی ماجرا را از زبان خود نعمتی بخوانید:«سعی کردم اسب را نگه دارم و پیاده به‌سمت تپه رفتم. در راه با خودم فکر می‌کردم کاری انجام بدهم. از جایی که جمعیت نزدیک‌تر شد دستانم را باز کردم از پشت دیدم اسب همراه من می‌آید. پس از اینکه پلان به پایان رسید دیدم تمام گروه دارند گریه می‌کنند.

برخی اوقات چنین اتفاقاتی می‌افتد که فکر نمی‌کنم جز عنایت‌ومعجزه چیز دیگری باشد».

عارفانه

اینجا خراسان است مبادا بر خانواده سخت بگیرید!

معین اصغری: آیت‌الله کوهستانی در میان اهل بیت بزرگوار پیامبر(ص)، به حضرت رضا(ع) اظهار محبت بیشتری می‌کرد و در سایه همان دلبستگی و ارادت، بارها برای زیارت و بهره‌مند شدن از عنایت‌های ویژه آن حضرت به مشهد مقدس سفر کرد. ایشان در حقیقت، بهترین و مطمئن‌ترین وسیله سعادت و نجات را در توسل و زیارت به آن امام رئوف و اجداد پاکش می‌دید.

یکی از ارادتمندان ایشان می‌گوید: در تمام مدتی که در مشهد خدمت ایشان بودم، روزی سه مرتبه به حرم مشرف می‌شد و من به دلیل کهولت سن، ایشان را همراهی می‌کردم. سحر و نزدیک صبح، همراه ایشان به حرم می‌رفتیم. تا دو سه ساعت مشغول زیارت و دعا و نماز بود و پس از زیارت برای صرف صبحانه به منزل می‌آمدیم. بار دیگر نزدیک ظهر با هم به طرف حرم حرکت می‌کردیم. مرتبه سوم هم یک ساعت به اذان مغرب روانه حرم می‌شدیم. در تمام مدت ایشان حال و هوای خاصی داشت و با خشوع وصف‌ناپذیری به دعا و زیارت و قرائت قرآن می‌پرداخت.

روزی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت‌الله کوهستانی را در حرم مطهر حضرت رضا(ع) دیده بودند و درباره توجه و حضور ایشان فرمودند: وقتی ایشان را در حرم امام رضا(ع) دیدم که مثل یک زائر معمولی مشغول زیارت بود و با چه حال و توجهی زیارت می‌خواند، خیلی لذت بردم.

یکی از شاگردان آیت‌الله کوهستانی می‌گوید: رفتار ایشان در مشهد با خانواده و دوستان، از لطافت و صفای بیشتری برخوردار بود؛ به گونه‌ای که در نوع غذا و خریدن سوغات، توسعه بیشتری قائل می‌شد و هیچ‌گونه سخت‌گیری نمی‌کرد و می‌فرمود: ما میهمان حضرت رضا(ع) هستیم و اینجا برای خوردن غذا استخاره نمی‌کنیم؛ به دوستان نیز سفارش می‌کردند خانواده را در تنگنا قرار ندهند. روزی یکی از همراهان ایشان مقداری میوه نامرغوب خریده بود، آقا خطاب به وی فرمود: اینجا خراسان است. مبادا بر خانواده سخت بگیرید. بگذارید این چند روز بر خانواده خوش بگذرد.

حال ایشان هنگام وداع عجیب بود. چنان با آن حضرت سخن می‌گفت که گویا او را در برابر خود می‌بیند و حضوری با او گفت‌وگو و مثل بندهای ذلیل در برابر مولای خود عجز و لابه می‌کند. پس از مدتی که رویه‌روی حضرت می‌ایستاد، اشک‌ریزان به سمت رواق «دارالسیاده» می‌رفت و صورت را روی عتبه می‌گذاشت و مدتی با حضرت درددل می‌کرد.

نمای نزدیک

دیدگانش... | عکس: وحید بیات

زهرا سادات دریاباری: نگرانی در چشم‌هایش موج می‌زد. کودکش را در آغوش گرفته و با اضطراب به گنبد آقا زل زده بود. تسبیح سبز رنگش را دانه دانه می‌چرخاند و صلوات می‌گفت. صلوات‌ها که تمام شد، تسبیح را به گردن کودک انداخت. نشست روی سنگفرش‌های حیاط و شروع کرد به زار زدن. با لهجه ترکی چیزهایی می‌گفت که من نمی‌فهمیدم. اما از اشاره‌هایش به کودک می‌زبان می‌شد فهمید که درد دلش مربوط به همان کودک است. سر کودک را به آرامی به طرف گنبد چرخاند. چشم‌هایم به چشم‌هایش خورد. سفیدسفید بود. کودک نابینا، نشسته بود و با خودش چیزهایی می‌گفت. جایی را نمی‌دید اما سرش را از روبه‌روی گنبد لحظه‌ای نمی‌چرخاند. لحظه‌ای با خودم فکر کردم، نکند می‌بیند... اما چشم‌هایش که دروغ نمی‌گفت. او هم مانند مادرش رو به گنبد و پنجره فولاد بلندبلند چیزهایی می‌گفت. انگار به او یاد داده بودند که باید دستانش را بالا بگیرد. نگاهم به گنبد و کبوترهایش قفل شده بود. حال و هوای کبوترها را رصد می‌کردم. دلم می‌خواست فقط برای دخترک و مادر بی‌تابش دعا کنم.

چند دقیقه‌ای که گذشت، مادر آرام گرفت. اشک‌هایش را با گوشه چادرش پاک کرد. رو به گنبد لبخندی زد و تسبیح سبزش را از دور گردن کودک بیرون آورد و بوسه‌ای بر آن زد. خادم‌های اطراف صلوات می‌فرستادند. انگار مادر بعد از چند دقیقه ناله و شیون دلش خالی شده بود. آرامش از دست رفته خودش را پیدا کرد. کودک را در آغوش گرفت و پشت پنجره فولاد ایستاد، دستان کودک ناخودآگاه به سمت پنجره فولاد دراز شد و با دستان لطیفش آن را بغل کرد... .

سوغات

سوغات زیارت، تجلی بومی صنایع فرهنگی

با ظهور تفکر جهانی‌سازی و شاهراه‌های اطلاعاتی و سیر آزادسازی بازارهای جهانی مشکلات عمده‌ای در برابر مبادلات فرهنگی آینده و چگونگی توزیع محصولات و کالاهای فرهنگی و همچنین الگوهای رفتاری افراد به وجود آمده است. بنابراین نسل جدیدی از «مصرف‌کنندگان فرهنگی» در کشورهای روبه توسعه در حال ظهور است.

این در حالی است که امروزه محصولات فرهنگی تأثیر بسیار مهمی در تولید ناخالص داخلی بیشتر کشورهای صنعتی دارند. در این کشورها صادرات کالاها و تولیدات فکری افراد به مراتب از صادرات کالاهای متعارف مهم‌تر است. اما متأسفانه صادرات فرهنگی در کشورهای رو به توسعه، جایگاه شایسته خود را ندارد و اقتصاد آن‌ها بیشتر بر صادرات مواد خام فاقد ارزش افزوده متکی است و این کشورها به راحتی از فرصت بالقوه صادرات محصولات فرهنگی و تولی

بیمارستان رضوی میزبان وبینار پزشکان قلب ایران و اروپا وبینار بین‌المللی پزشکان قلب ایران و اروپا در روزهای هشتم و بیست و دوم اسفندماه به میزبانی بیمارستان فوق تخصصی رضوی برگزار می‌شود. دکتر محمود شبستری، دبیر علمی این وبینار در نشست خبری که ظهر دیروز در بیمارستان رضوی مشهد برپا شد گفت: در این وبینار متخصصان داخلی و خارجی به ارائه و تبادل اطلاعات درباره آخرین و بروزترین تکنولوژی‌ها و روش‌های درمانی می‌پردازند.

خبر

حجت‌الاسلام رفیعی سخنران ویژه‌برنامه شب میلاد حرم رضوی

همزمان با فرارسیدن میلاد با سعادت امیرالمؤمنین(ع)، به همت معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی برنامه‌های ویژه‌ای در حرم مطهر رضوی تدارک دیده شده است.

به گزارش آستان‌نیوز، در شب میلاد امام علی(ع) ویژه‌برنامه‌های متعددی پیش‌بینی شده که قرائت زیارت امین‌الله، مدیحه‌سرایی، شعرخوانی، همخوانی گروه‌سرود «گلدسته‌های حرم» و سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی از جمله این برنامه‌هاست.

این مراسم ۶ اسفندماه پس از اقامه نماز مغرب و عشا از ساعت ۱۸:۱۰ تا ۱۹:۱۵ در رواق بزرگ امام خمینی(ره) برگزار می‌شود.

ویژه برنامه های روز میلاد

در سالروز میلاد این امام همام نیز مصادف با ۷ اسفندماه، مراسمی با حضور شاعر آیینی حسین مؤدب، مداحی امیر عارف و محمد جعفرنژاد و سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی پیش‌بینی شده است که از ساعت ۱۰:۲۰ در رواق حضرت زهرا(س) آغاز می‌شود.

در شام میلاد امام علی(ع) نیز زائران و مجاوران پس از اقامه نماز مغرب و عشا در رواق بزرگ امام خمینی(ره) از بیانات حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی بهره‌مند خواهند شد.

دارالقرآن کریم حرم مطهر رضوی نیز در شب و روز میلاد حضرت علی(ع)، با برگزاری چند ویژه‌برنامه میزبان قرآن‌دوستان خواهد بود.

برگزاری محفل قرآنی «ام‌ابیها»، کارگاه هنری «همای رحمت»، انجام ختم‌های قرآنی و برگزاری مسابقه «قرآن‌ناطق» از محوری‌ترین برنامه‌های قرآنی این روزها خواهد بود.

تولیت آستان قدس رضوی:

مهندسان حرم مطهر مجاهدان عرصه صیانت از گنجینه هنر رضوی هستند

تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر ضرورت افزایش سرعت انجام پروژه‌های عمرانی حرم مطهر در عین رعایت کیفیت، گفت: باید به دنبال راهکارهای افزایش سرعت انجام پروژه‌های عمرانی در حرم مطهر بود، هدررفت زمان در اجرای این پروژه‌ها باید به حداقل برسد.

به گزارش آستان نیوز، حجت الاسلام والمسلمین احمد مروی در مراسم گرامیداشت روز مهندس و تجلیل از مهندسان شاغل در اماکن متبرکه رضوی که با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در تالار قدس حرم مطهر امام رضا (ع) برگزار شد، ضمن تبریک فرارسیدن پنجم اسفند ماه روز بزرگداشت دانشمند بزرگ ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندس به جامعه مهندسان، اظهار کرد: مهندسان و کارگران فنی و عمرانی حرم مطهر رضوی مجاهدان خاموشی هستند که تلاش‌هایشان دیده نمی‌شود و مردم تنها نتیجه سختی‌ها، مشقت‌ها و هنر آن‌ها را در رواق‌ها و اماکن رضوی مشاهده می‌کنند.

وی افزود: امام خمینی (ره) اردیبهشت ۱۳۵۸ به مناسبت فرارسیدن روز کارگر در پیامی فرمودند «خداوند هم کارگر است» بنده به تأسی از این فرموده امام بزرگوار عرض می‌کنم «خداوند هم مهندس است». تمام عالم هستی بر نظم و هندسه استوار بوده، لذا خداوند نیز مهندس عالم است.

وی در ادامه ضمن اشاره به جایگاه رفیع تلاش برای عمران و ساخت اماکن عبادی در حرم مطهر رضوی، نکاتی را در خصوص نگهداری و احداث ابنیه جدید در حرم مطهر بیان و عنوان کرد: هر گونه تصمیم گیری فنی و مهندسی در حرم مطهر باید توسط سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی صورت بگیرد و هرکس طرح و ایده‌ای دارد، باید با هماهنگی و مدیریت این سازمان آن را پیگیری کند.

حجت الاسلام والمسلمین مروی ابراز کرد: حرم مطهر اصل و اساس تمام فعالیت‌های آستان قدس است، تمام معاونت‌ها، بنیادها، سازمان‌ها و بخش‌های مختلف آستان قدس مستقل از حرم مطهر نیستند، درنتیجه همه موظف‌اند در راستای خدمت به این مکان مقدس برنامه‌ریزی کنند.

وی بر ضرورت برنامه‌ریزی و نظارت مستمر بر همه اقدام‌های مهندسی و هنری حرم مطهر تأکید و عنوان کرد: مجموعه فضاها و ابنیه حرم مطهر گنجینه‌ای منحصر به فرد از هنر معماری اسلامی ملت ایران است، این زیبایی‌های پر مضمون هنری که در این حرم مطهر وجود دارد، تجلی از هنر و تمدنی بوده که به برکت وجود مقدس حضرت رضا (ع) به‌وجود آمده است.

وی گفت: یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین وظایف سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر صیانت از گنجینه هنری عظیم حرم مطهر است که در این راستا باید به‌صورت مستمر و مداوم پایش و رصد برای شناسایی آسیب‌های احتمالی صورت بگیرد.

تولیت آستان قدس رضوی افزود: همان‌گونه که به معنویت، فعالیت‌های فرهنگی و زیارت متعالی باید اهتمام داشته باشیم، حفظ و نگهداری از تمدن و هنرهای زیبای حرم مطهر امام رضا(ع) نیز یک اولویت بسیار مهم برای آستان قدس رضوی است.

حجت الاسلام والمسلمین مروی با بیان اینکه در طول تاریخ تمام فضاهای حرم مطهر رضوی بر اساس کار کارشناسی و مهندسی دقیق بنا شده است، عنوان کرد: الحمدلله مهندسانی لایق، کوشا، خلاق، جسور و دلسوز در آستان قدس رضوی حضور دارند، اما این امر نباید مانع استفاده از تجربیات و ظرفیت‌های خارج از آستان قدس شود.

وی بر توجه به اصل سرعت در کنار دقت و کیفیت در انجام پروژه‌های عمرانی تأکید و عنوان کرد: در کنار توجه به کیفیت و دقت در انجام پروژه‌های ساختمانی و عمرانی حرم مطهر، نباید از تسریع و سرعت بخشیدن به این پروژه‌ها غفلت شود؛ پروژه‌های عمرانی حرم مطهر باید در حداقل زمان ممکن با کیفیت مطلوب به سرانجام برسد.

تولیت آستان قدس رضوی با اشاره به محدودیت‌ها و دشواری‌های فعالیت‌های عمرانی در فضای حرم مطهر به جهت قدمت ابنیه، عنوان کرد: تمام پروژه‌های عمرانی حرم مطهر باید زمان‌بندی داشته باشند و باید به دنبال افزایش سرعت انجام پروژه‌ها بدون افت کیفیت بود.

خبر

تجلیل از مهندسان سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی

همزمان با پنجم اسفندماه زادروز دانشمند بزرگ ایرانی خواجه‌نصیرالدین طوسی، با حضور مدیرعالی حرم مطهر رضوی از مهندسان سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی تجلیل شد.

به گزارش آستان‌نیوز؛ محمدکاظم ملازم‌الحسینی، رئیس سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی در این مراسم ضمن تبریک میلاد مسعود امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) و روز مهندس با اشاره به رسالت‌های این مجموعه گفت: وظیفه سازمان حریم حرم بیش از نگهداری از ابنیه و اماکن متبرکه است؛ ما متولی سرمایه معنوی و اقتصادی ارزشمندی هستیم که باید در حفظ و نگهداری آن برای آیندگان تلاش کنیم و بتوانیم میراث ماندگاری را برای آن‌ها به جا بگذاریم.

وی افزود: همکاران و مهندسان بسیاری در این مجموعه مشغول خدمت هستند که تجارب ارزشمند چند ساله آن‌ها در مجموعه حرم مطهر برای ما بسیار حائز اهمیت است و ما را مکلف می‌کند تا از این سرمایه‌های آستان قدس حمایت کنیم.

رئیس سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی گفت: از آنجا که مرکز این مجموعه مقدس، مضجع شریف و ضریح مطهر است که همواره به جز ایام غبارروبی پذیرای زائران و مجاوران است، با بسته شدن درهای حرم مطهر، کار مرمت این مکان مقدس در اولویت قرار گرفت. ملازم‌الحسینی در ادامه مرمت گنبد مطهر، تعویض و تعمیر اساسی اسکلت ضریح مطهر، پرداخت و مرمت ضریح مطهر، اصلاح سنگ و مرمت کاشی‌های روضه منوره و تکمیل شبکه‌های زیربنایی صوت و تصویر را از جمله اقدام‌های شاخص این مجموعه در سال جاری ذکر کرد.

در پایان این مراسم نیز از ۱۰ نفر از مهندسان این مجموعه قدردانی و تجلیل شد.

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه سلمان عرب وکیل خانم جیران کوهستانی که به استناد دو برگه استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت دوم به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت دو دانگ پلاک ۳ فرعی از ۵- اصلی بخش ۱۵ مشهد که متعلق به خانم جیران کوهستانی می باشد، به علت سهل انگاری مفقود شده است و برابر ثبت دفتر املاک تمامت سهم مورد نظر در دفتر الکترونیک شماره ۱۳۹۹۲۰۳۰۶۲۳۷۰۰۰۰۰۸ به نام جیران کوهستانی ثبت و سند مالکیت به شماره ۶۰۰۹۴۸ سری د ۹۴ صادر و تسلیم گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب به نوبت آگهی و متذکر می گردد. هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد؛ باید ظرف مدت ده روز از انتشار آگهی؛ اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند یا سند معامله سند رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. آ۹۹۱۲۳۰۷

علی حیدری دشت بیاض-رییس اداره ثبت اسناد و املاک صالح آباد

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه سلمان عرب که به استناد دو برگه استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ده سهم مشاع از ششصد و هفتاد و دو سهم عرصه و اعیان پلاک، فرعی از ۹- اصلی بخش ۱۵ مشهد که متعلق به وی می باشد، به علت سهل انگاری مفقود شده است و برابر ثبت دفتر املاک تمامت سهم مورد نظر در دفتر ۶۲ صفحه ۳۷۶ ذیل ۸۴۱۳ به نام سلمان عرب ثبت و سند مالکیت به شماره ۱۸۳۲۴۴ سری د ۹۱ صادر و تسلیم گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد. هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد؛ باید ظرف مدت ده روز انتشار آگهی، اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند یا سند معامله سند رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. آ۹۹۱۲۳۰۶

علی حیدری دشت بیاض-رییس اداره ثبت اسناد و املاک صالح آباد

آگهی تحدید حدود اختصاصی

پیرو آگهی قبلی که به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین نامه قانون ثبت،تحدید حدود یک قسمت از املاک واقع در قطعه ۶ درگز بخش ۷ قوچان در ساعت اداری در تاریخ مندرج در متن آگهی انجام و به شرح ذیل آگهی می گردد:پلاک ۹۴- اصلی قریه اوتانلو قطعه شش درگز بخش ۷ قوچان پلاک های ۱۰۴ و ۱۸۸ و ۲۰۸ و ۲۱۱ فرعی مجزی شده از ۹۴- اصلی آقای امیر ارسلان جعفری اوتانلو ششدانگ چهار قطعه زمین مزروعی واقع در اراضی مزروعی روستای اوتانلو تاریخ تحدید:۲۴ و ۲۵ فروردین ۱۴۰۰

لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت به صاحبان املاک و مجاورین شماره های فوق به وسیله این آگهی اخطار میگردد که در روز و ساعت مقرر در این آگهی در محل حضوربهم رسانندو چنانچه هر یک از صاحبان املاک و یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی ونیز صاحبان املاکی که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی معترضین میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. آ۹۹۱۲۲۸۴

تاریخ انتشار:۱۳۹۹/۱۲/۰۶

ناصر حسن زاده-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک درگز

آگهی مزایده مورد بازداشت پرونده اجرایی کلاسه ۹۹۰۰۱۱۱

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۹۰۰۱۱۱ متعهد:آتنا رحمانی نوخندانی نام پدر:احمد تاریخ تولد:۱۳۸۸/۰۹/۰۵ شماره ملی۰۷۷۰۳۸۲۳۴۷ شماره شناسنامه ۰۷۷۰۳۸۲۳۴۷ به نشانی :درگز- نوخندان- روبروی فلکه گازبا قیمومت فریده علی زاده شارک و-صدری محمد حسینی نام پدر:خداوردی تاریخ تولد:۱۳۳۹/۰۱/۰۳ شماره ملی:۰۷۷۹۰۳۲۰۹۸ شماره شناسنامه:۴۶۵۰(ورثه زوج احمد رحمانی نوخندانی)- متعهد له:شیرین صفی برج قلعه نام پدر:محمد تاریخ تولد:۱۳۶۴/۰۲/۰۱ شماره ملی:۰۷۷۹۹۲۶۸۰۳ شماره شناسنامه:۳ به مدلول- سند ازدواج:شماره سند :۱۱۳۴،تارخ سند:۱۳۸۶/۰۹/۰۸ دفترخانه صادرکننده :دفترخانه ازدواج شماره ۶۹ شهر لطف آباد استان خراسان رضوی بابت وصول تعداد یکصد و چهارده عدد سکه تمام بهار آزادی به مبلغ لازم الاجرای ۱۵/۳۳۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال؛یک دستگاه خودرو سواری پراید جی تی ایکس مدل ۱۳۸۴ به شماره انتظامی ۹۴۹ س ۳۷ ایران ۴۲ متعلق به مدیون متوقی تعرفه و توقیف گردید،که طبق نظر کارشناس رسمی:خودروی فوق به شماره شاسی۶۰۵۷۰۳ و شماره موتور ۱۲۴۵۶۳۰ دوگانه سوز دستی رنگ سفید شیری- روغنی در محل پارکینگ نیروی انتظامی درگز با مشخصات درب موتور و سر شاسی جلو و سقف و سینی جلو و رادیات و گلگیر جلوراست و سپر جلو کامل کله چراغ جلو راست و راهنمای طرفین سیستم کولر-رادیات آب و فن- جلوبندی کامل به همراه رام موتور-درب موتور (قالپاق)ستون جلو راست-داشبورد-شیشه جلو و برف پاک کن-رگلاتور گاز-سیم کشی موتور و چراغ له در پوش و لوله کشی سیستم ترمزچراغ های جلودر اثر تصادف خسارت دیده است بدنه خودرو در سایر نقاط نیز دچار ریختگی رنگ وزنگ زدگی است- لاستیک جلو و عقب ۵۵ درصد سالم است لیکن به دلیل اینکه مدت زیادی در پارکینگ مانده است دچار پله شده است.سیستم پخش در صورت موجود رویت نگردید و روکش صندلیها فابریک کارخانه میباشد.قیمت اتومبیل به شماره انتظامی فوق با توجه به وضعیت موجود- نرخ عرضه و تقاضا ارزش روز مبلغ هفده میلیون تومان معادل یکصد و هفتاد میلیون ریال ارزیابی میگردد.

لذا خودرو مذکور به مبلغ یکصدو هفتاد میلیون ریال(۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰)ارزیابی شده از ساعت ۹ الی ۱۲ دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ در محل اداره ثبت اسناد و املاک درگز واقع در خیابان امام رضا ۷ جنب مسجد امام علی(ع)از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ فوق الذکر شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداًفروخته می شد و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقداًوصول خواهد شد ضمناًچنانچه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد. مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. ۹۹۱۲۲۹۴آ

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک درگز- ناصر حسن زاده

(آگهی ابلاغ اجرائیه قرارداد بانکی کلاسه پرونده ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۱۴۰۰)

بدین وسیله به آقای ابراهیم حاتمی نام پدر : ولی تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۱/۰۹ شماره ملی ۵۹۱۹۷۹۱۷۲۱ شماره شناسنامه : ۴ به نشانی روستای باقرخان ۳ و بجنورد باقرخان ۳ (متن سندو اظهاری) ابلاغ می شود که بانک مسکن شعبه طالقانی بجنورد به استناد قرارداد بانکی شماره ۴۲۶۸/۱۱۱۷۵ جهت وصول مبلغ ۷۲/۳۱۲/۶۵۸ ریال تا تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ و به انضمام خسارت تاخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه رضا حاتمی و به ضمانت شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۱۴۰۰و شماره بایگانی ۹۹۰۱۵۷۰ در این اداره تشکیل شده مامور مربوطه، آدرس شما به شرح متن سند شناسایی نگردیده است . لذا بنا به درخواست بستانکار به شرح وارده به شماره ۲۲۱۵۰-۱۸/۱۱/۱۳۹۹ و ۲۳۹۲۹-۰۳/۱۲/۱۳۹۹طبق ماده ۱۸ – آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز ازتاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.م الف۲۷۲۵ ۹۹۱۲۲۹۲آ

حمید عزیزی-رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

(آگهی ابلاغ اجرائیه قرارداد بانکی کلاسه پرونده ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۱۴۰۰)

بدین وسیله به آقای امان اله کلاته‌ء نام پدر : جعفر تاریخ تولد: ۱۳۰۵/۰۹/۰۹ شماره ملی ۶۸۰۰۸۹۰۵۵ شماره شناسنامه : ۸۴۸۹ به نشانی روستای باقرخان ۳ و روستای باقرخان ۳ جنب مدرسه پیروزی(متن سندو اظهاری) ابلاغ می شود که بانک مسکن شعبه طالقانی بجنورد به استناد قرارداد بانکی شماره ۴۲۶۸/۱۱۱۷۵ جهت وصول مبلغ ۷۲/۳۱۲/۶۵۸ ریال تا تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ و به انضمام خسارت تاخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه رضا حاتمی و به ضمانت شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۱۴۰۰و شماره بایگانی ۹۹۰۱۵۷۰ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخه ۱۳۹۹/۱۱/۰۵ مامور مربوطه، آدرس شما به شرح متن سند شناسایی نگردیده است . لذا بنا به درخواست بستانکار به شرح وارده به شماره ۲۲۱۵۰-۱۸/۱۱/۱۳۹۹ و ۲۳۹۲۹-۰۳/۱۲/۱۳۹۹طبق ماده ۱۸ – آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز ازتاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.م الف۲۷۲۶ ۹۹۱۲۲۹۳آ

حمید عزیزی-رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

آگهی دعوت افراز

چون آقای حسنعلی گنجعلی احدی از مالکین مشاعی ششدانگ پلاک ۲۲۷۱۰/۱۷۶۲۸ اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان- بلوار دانشجو حدفاصل دانشجو ۴۴ و ۴۶ بموجب تقاضای وارده به شماره ۱۰۱/۱۵۶۳۲ مورخه ۱۳۹۹/۰۷/۰۵ تقاضای افراز سهمی مشاعی خود را از ششدانگ پلاک فوق الذکر نموده و اعلام نموده‌اند اطلاعی از آدرس سایر مالکین مشاعی ندارند بدینوسیله مراتب را به اطلاع کلیه مالکین مشاعی پلاک مذکور می‌رساند که روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ ساعت ۸ صبح در محل وقوع ملک حاضر تا به اتفاق نماینده و نقشه بردار این اداره از محل بازدید و اقدام قانونی انجام پذیرد. بدیهی است عدم مراجعه مالکین مشاعی مانع انجام عملیات افراز نخواهد شد. آ۹۹۱۲۲۷۷

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۳۹۹/۱۲/۰۶ م الف: ۹۳۸

حسینعلی ملایی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان زاهدان

آگهی مزایده اموال غیر منقول (نوبت اول)

به موجب اجراییه صادره از شعبه سوم حقوقی دادگستری زابل محکوم علیه سید یحیی موسوی فرزند میر سید علی به شماره ملی ۳۶۷۱۴۹۷۲۷۶ به پرداخت ۸۲۱.۸۷۹.۰۷۲ ریال در حق محکوم له محمدعلی فقیهی نیک فرزند عباس به شماره ملی ۳۶۷۱۷۳۶۴۷۱ محکوم گردیده است مقرر می دارد نظر به اینکه پلاک ثبتی شماره ۱۶۷۹۱ فرعی از یک اصلی بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ مسکونی به مساحت ۳۷۵ متر مربع به آدرس زابل بلوار شهید میرحسینی - میلان میرحسینی ۱۶ متعلق به محکوم علیه در پرونده توقیف گردیده است که ارزش پلاک ثبتی شماره ۱۶۷۹۱ فرعی از ۱ اصلی بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ مسکونی به مساحت ۳۷۵ متر مربع حسب نظریه کارشناس با حدود و چهارگانه به متراژ شمالا به طول ۱۲ متر مشرف به کوچه، شرقا به طول ۳۱/۲۰ متر مشرف به پلاک ، جنوبا به طول ۱۲/۳۰ متر مشرف به کوچه (میرحسینی ۱۶)و غربا به طول ۳۱/۵۰ متر پلاک مجاور واقع شده است ساختمان موجود در پلاک ثبتی مساحتی برابر با حدود ۱۴۴ متر مربع دارد که با اسکلت آجری و سقف طاق ضربی و فاقد نما که بدنه داخلی تا یک متر سنگ و بقیه تا زیر سقف گچ و کف موزاییک فرش شده و قدمت آن حدوداً ۲۰ سال می باشد لذا با توجه به موقعیت ، نحوه ساخت بنا ، قدمت، مدارک ارائه شده و سایر عوامل موثر در قیمت گذاری، ساختمان پلاک ثبتی به شماره ۱۶۷۹۱ فرعی از ۱ اصلی به مبلغ ۵/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اعلام گردیده لذا با توجه به تقاضای محکوم له پلاک ثبتی فوق از طریق مزایده در تاریخ ۹۹/۱۲/۱۹ روز سه شنبه راس ساعت ۱۰ صبح به فروش می رسد متقاضیان می توانند ۵ روز مانده به روز مقرر با هماهنگی این اجرا از مورد مزایده بازدید سپس در صورت تمایل در جلسه مزایده شرکت نمایند ضمنا فروش آن از قیمت پایه شروع و به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید مورد مزایده به او واگذار می گردد همچنین کلیه هزینه های مربوطه به عهده برنده و انتقال سند به نام خریدار تابع مقررات خواهد بود و خریدار می بایست مبلغ ۱۰ درصد پیشنهادی مزایده را فی المجلس به حساب سپرده دادگستری زابل واریز نماید و مابقی را ظرف مدت یکماه به حساب سپرده دادگستری واریز و تحویل اجرای احکام مدنی نماید و پس از تایید و تنفیذ مزایده توسط دادگاه صادرکننده رای نسبت به انتقال سند پس از انقضای مهلت قانونی به نام خریدار منتقل می گردد و در صورتی که خریدار مابقی وجه مزایده را در زمان مقرر به حساب سپرده واریز ننماید و یا اعلام انصراف نماید مبلغ ۱۰ درصد ضبط خواهد شد و خریدار حق هیچگونه اعتراضی را نخواهد داشت تشریفات مزایده با رعایت مواد ۱۱۳ به بعد قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۱۲۹ اجرا خواهد شد، به استناد ماده ۱۳۱ قانون اجرای احکام مدنی در صورت نبود خریدار محکوم له نیز می تواند در قبال محکوم به خود از اموال مورد مزایده قبول نماید این آگهی به تجویز مواد ۱۱۴ و ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۲۳، ۱۲۰ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر میگردد. آ۹۹۱۲۲۸۱// م الف: ۱۳۳۵

قاضی شعبه اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان زابل زهرا خاتونی

آگهی مزایده اموال منقول (نوبت اول)

به موجب اجراییه صادره از شعبه سوم حقوقی دادگستری زابل محکوم علیه علی سنچولی فرزند حشمت اله به شماره ملی ۳۶۱۰۱۰۸۰۶۱ به پرداخت تعداد ۱۴ قطعه سکه تمام بهار آزادی در حق محکوم له فضه میر شاهی فرزند محمد امیر به شماره ملی ۳۶۷۰۸۳۶۶۱۶ محکوم گردیده است مقرر می دارد نظر به اینکه خودرو با شماره انتظامی ۳۹۸ ل ۵۷ ایران ۹۵ متعلق به محکوم علیه در پرونده توقیف گردیده است که ارزش پلاک خودرو با مشخصات نوع: سواری ، سیستم :پژو۴۰۵ GLX رنگ :خاکستری ، مدل:۱۳۹۶ شماره انتظامی ۳۹۸ ل ۵۷ ایران ۹۵ شماره شاسی: ۱۲۹۶۵۳ شماره موتور: K۱۲۴۱۱۴۲۰۷۰ تعداد چرخ:چهار چرخ ، تعداد محور: ۲ محور ، تعداد سیلندر: چهار سیلندر ، نوع سوخت : بنزینی ، ظرفیت :۵ نفر، وضعیت ظاهری و فنی خودرو (در زمان بازدید) اتاق، بدنه: سالم - بدون آثار تصادف می باشد، داشبورد: سالم- داخلی کرم ،صندلی و تودوزی: سالم، تجهیزات : ضبط ،آچار چرخ، لاستیک زاپاس دارد، موتور: سالم، باتری: دارد، گیربکس: سالم، دیفرانسیل: سالم، تایرها: سالم نقایص ظاهری از قبیل شیشه ها ،چراغ ها، سپر ها: سپر عقب چپ :فایبرکلاس جزئی حسب نظریه کارشناسی ارزش پایه خودرو با مشخصات فوق و وضعیت ظاهری مناسب با کدل فوق در حال حاضر در بازار خودرو با در نظر گرفتن شرایط و نوسانات مبلغ ۱/۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اعلام گردیده اعلام گردیده لذا با توجه به تقاضای محکوم له خودروی فوق از طریق مزایده در تاریخ ۹۹/۱۲/۲۳ روز شنبه راس ساعت ۱۰ صبح به فروش می رسد متقاضیان می توانند ۵ روز مانده به روز مقرر با هماهنگی این اجرا از مورد مزایده بازدید سپس در صورت تمایل در جلسه مزایده شرکت نمایند ضمنا فروش آن از قیمت پایه شروع و به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید مورد مزایده به او واگذار می گردد همچنین کلیه هزینه های مربوطه به عهده برنده و انتقال سند به نام خریدار تابع مقررات خواهد بود و خریدار می بایست مبلغ ۱۰ درصد پیشنهادی مزایده را فی المجلس به حساب سپرده دادگستری زابل واریز نماید و مابقی را ظرف مدت یکماه به حساب سپرده دادگستری واریز و تحویل اجرای احکام مدنی نماید و پس از تایید و تنفیذ مزایده توسط دادگاه صادرکننده رای نسبت به انتقال سند پس از انقضای مهلت قانونی به نام خریدار منتقل می گردد و در صورتی که خریدار مابقی وجه مزایده را در زمان مقرر به حساب سپرده واریز ننماید و یا اعلام انصراف نماید مبلغ ۱۰ درصد ضبط خواهد شد و خریدار حق هیچگونه اعتراضی را نخواهد داشت تشریفات مزایده با رعایت مواد ۱۱۳ به بعد قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۱۲۹ اجرا خواهد شد، به استناد ماده ۱۳۱ قانون اجرای احکام مدنی در صورت نبود خریدار محکوم له نیز می تواند در قبال محکوم به خود از اموال مورد مزایده قبول نماید این آگهی به تجویز مواد ۱۱۴ و ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۲۲، ۱۲۳ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر میگردد. آ۹۹۱۲۲۸۲// م الف: ۱۳۴۴

قاضی شعبه اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان زابل زهرا خاتونی

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شیروان رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیر الانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد.

۱-برابرکلاسه ۲۳۳-۹۹و رأی شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۳۴۷۷ آقای رحیم کریمینا فرزند محمداسمعیل در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۸۷/۷۲ متر مربع تمامت پلاک ۵۸۵فرعی مجزی از۹فرعی از۵ یک اصلی میرزابیگ واقع بخش ۵قوچان خریداری از محل مالکیت آقای علی زوردار

۲- برابرکلاسه ۲۵۵-۹۹ورأی شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۳۶۷۹ آقای حسن صابری فرزند رمضان در ششدانگ یکقطعه باغ مشجر به مساحت ۳۱۲۷/۹۵ متر مربع تمامت پلاک ۶۶۵ فرعی از ۲۵ اصلی زوارم واقع دربخش۵قوچان خریداری از مالک رسمی آقای هادی علیزاده و ورثه مهربان

۳- برابر کلاسه ۲۶۱-۹۹ورأی شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۳۲۴۰و خانم سلطان رضاوظیفه دان فرزند قربان درششدانگ یک باب منزل به مساحت ۷۹/۵۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۱۴فرعی از۱۳ اصلی باغات خریداری از محل مالکیت آقای حسین ولی نژاد گلیان

۴-برابر کلاسه ۱۸۱-۹۹رأی شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۲۶۳۴ آقای وحیدچرزرین فرزند ندرمحمددرششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۵/۵۰ مترمربع قسمتی ازپلاک ۶۶۱۲ فرعی از۱۳ اصلی باغات واقع دربخش ۵قوچان خریداری از مالک رسمی آقای محمد رحیم رضانژاد

به این وسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ